

مفتخر به مواهب و تمجید های اعلیحضرت

امیر فیض - حقوقدان

خبرها حکایت از این دارد که آقای شهرام همایون مفتخر به مواهب و تمجید های اعلیحضرت شده اند.

مغتنم فرصتی است که به آقای همایون تبریک گفته شود.

تمجید و تحسین گاه ریشه های اعتقادی دارد و گاه نظری، تمجید اعتقادی وقتی ظهور پیدا میکند که شخص به گستردگی و حمایت و جانبازی در راه اعتقاد کسب لیاقت تمجید را میکند، مانند کسی که به مناسبت حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و یا اجرای قانون در موقعیتی قرار میگیرد که تمجید گرا میشود.

تمجید نظری کاری به اعتقاد ندارد یک نفرکاری میکند چه قانونی و یا غیرقانونی ولی بنظر، تحسین آفرین بنظر میرسد و مورد تمجید و تحسین و مدال قرار میگیرد نمونه، معروف آن خلیل طهماسبی است.

تمجید و تحسین اعلیحضرت از آقای شهرام همایون تمجید نظری است، متن تمجید هم نشان میدهد که تمجید نظری است، تمجید نظری بی ریشه است و زمان آنرا می خشکاند.^۱

گفته میشود، کسانی به مرحمت و کرامت اعلیحضرت مفتخر خواهند شد که قطعنامه شورای به اصطلاح ملی! را قبلا امضا کرده باشند، نمیدانم آقای همایون ان قطعنامه را امضا کرده است یاخیر.

اگرخیر، بنظر میرسد که اعلیحضرت در انحصار عنایتشان به شورای به اصطلاح ملی! تجدید نظر فرموده اند؛ و این امر بیسابقه نیست نمونه ای که میتوان ارائه داد، از جمله عنایت و حمایت انحصاری شان نسبت به جنبش سبز و نیز تبریک اعلیحضرت به مناسبت سالگرد تاسیس نیروهای رهایی بخش (سازمان آقای علیمحمد دیانی) در آلمان است، که کتبا سالروز تاسیس آن سازمان به امضای اعلیحضرت تبریک و از مبارزات آقای دیانی تجلیل شده است (فتوکپی نامه در صفحه ۷ سنگر ۱۵ آذرماه ۶۶)

ولی می بینیم که از آن تجلیل کوچکترین اثری نیست. اینطور بنظر میرسد که سیاست اعلیحضرت برتعلق خاطر به چیزها و از جمله سازمان های جدید است! چنانکه آرشیو مبارزه نشان میدهد استقرار حمایت اعلیحضرت از سازمان ها و جنبش ها فصلی است.

ازباب نمونه میتوان به حمایت و عنایات خاصه اعلیحضرت به جنبش سبز و نیز نامه ویژه که به امضای اعلیحضرت به آقای محمدعلی دیانی نوشته شده اشاره کرد.

^۱ - همانطور که بسیاری از جایزه های داده شده به عوامل شناخته شده بزودی خشکید. ح-ک



۲۷ خرداد ماه ۱۳۹۲

آقای ملی محمد دیانی

نامه مورخ اول خرداد ماه جاری و ضمائم آن را مطالعه کرده‌م.

جای تأسف است که در این دوران فریب برخی از هم‌میهنان دست به اعمال ناشایسته می‌زنند به تصور آن که به زبان دیگران سود ببرند غافل از این که منافع همگان ضایع منافع خرد است .
از مبارزه مابین در راه رسیدن به هدف عالی و از خدمات مداومتان به هم‌میهنان به خوبی آگاهم و سلامت و عزت دولتتتان را خواستارم -

رضایزاد

(علت اهمیت این نامه و دستاورهای آن در همان سنگر مفصلا آمده است)

این امر هیچ عجیب نیست در فعالیت‌هایی که متکی بر عقیده سیاسی و نص قانونی نباشد، تلون نظر، قائم به ثبات و پایداری نیست، زیرا ماهیت و خاصیت نظر دگرگونی و عدم ثبات است، درست همانند کسی که پایبند شرافت خانوادگی نیست بهر شکل و شمایلی نظر و مدتی را با او خواهد گذراند.
یکی از شعرا گفته است:

با خدا باش و پادشاهی کن بی خدا باش و هرچه خواهی کن

یکی از فقها تفسیری بر آن گذاشته و میگوید:

خدا به معنای عقیده و استواری در کلام است یعنی کسی که متکی به عقیده، متکی به نص است قدرتمند و دارای خصائل پادشاهی یعنی کرامت و والائی است و آنکه بی عقیده و هرهری است محدودیتی ندارد در آنچه از بدی میکند و تشخیص خیر و شر نیز برایش امری نظری است.

در تفسیر جلال الدین بلخی آمده است:

دوگروه نیکان و بدکاران پس از تثبیت شخصیتشان نمیتوانند بایکدیگر سازگار باشند وقتی برای یک انسان شخصیتی به اعتبار عقایدش منعقد شد، مطابق عناصر آن شخصیت، زندگانی خود را توجیه میکند در این توجیه، با هر پدیده ای که روبرو میگردد اگر موافق عناصر و مختصات اعتقادی او بود با یکدیگر سازگار گشته و همان پدیده را در تقویت شخصیت خود بکار خواهد برد و بالعکس اگر با پدیده ای روبرو که مخالف عناصر و شخصیت اعتقادی او بود بدون تردید نخواهد توانست با او سازگاری داشته باشد. (صفحه ۹۷ جلد اول دفتر دوم)

سرمایه اصلی و اساسی مبارزه ما **اعتقاد** است. رکود در مبارزه، سردرگمی، بی تصمیمی و تلون تصمیم، ناشی از نبود اعتقاد راسخ و اصیل است.

یکی از فضلا گفته است: **<اعتقاد یعنی یقین درونی و ایمان یعنی عمل بیرونی>** یعنی همانطور که ایمان بدون اعتقاد، عمل نیست، اعتقاد بی عمل هم اعتقاد نیست. لذا آنچه که بعنوان عمل مجسم است زود گذر، نا متعادل و بی رمق است.